

Providing a Favorable model of Cultural Development in the Western Border Areas of the Country

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Kaveh Hayak
Farhad Nejad Irani*
Jafar Beikzad
Seyyed Abdollah Hojjati

How to cite this article

Kaveh Hayak, Farhad Nejad Irani, Jafar Beikzad, Seyyed Abdollah Hojjati, Providing a Favorable model of Cultural Development in the Western Border Areas of the Country, *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*. 2023;7(1):552-571.

1. PhD student, Department of Public Administration, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Public Administration, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran (corresponding author)
3. Assistant Professor, Department of Public Administration, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.
4. Assistant Professor, Department of Public Administration, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: farhadirani90@yahoo.com

ABSTRACT

The present study is the result of a field study of the situation of cultural development in the western regions of the country with a focus on Kurdish society. The present study seeks to identify and design the desired pattern of cultural development in border areas while identifying the existing disadvantages and challenges of cultural development barriers. The research approach is qualitative and phenomenological. The data collection tool is semi-structured interviews and the statistical population is cultural management specialists and specialists of the Department of Culture and Islamic Guidance with more than 20 years of experience working in cultural affairs. And reached a theoretical saturation with 18 interviewers. The desired model of cultural development barriers with 20 themes were counted and in the next step to validate the desired model from the point of view of experts with a questionnaire was used quantitatively. The results of this questionnaire show is.

Keywords: favorable model, cultural development, barriers to cultural development, border areas

ارثه الگوی مطلوب توسعه فرهنگی در مناطق مرزی غرب

کشور

کاوه حیاک

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

فرهاد نژاد ایرانی *

استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران (نویسنده مسئول)

جعفر بیک زاد

استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

سید عبدالله حجتی

استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

چکیده

تحقیق حاضر حاصل پژوهش میدانی از ارائه وضعیت توسعه فرهنگی در مناطق غرب کشور با محوریت جامعه کردنشین می باشد. پژوهش پیش رو درصدد آن است که ضمن شناسایی آسیب‌ها و چالش‌های موجود موانع توسعه فرهنگی بتواند الگوی مطلوب توسعه فرهنگی را در مناطق مرز نشین را تبیین و طراحی نماید. رویکرد پژوهش کیفی و از نوع پدیدارشناسی می باشد ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه‌های نیمه ساختارمند بوده و جامعه آماری متخصصان مدیریت فرهنگی و متخصصان اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیش از ۲۰ سال سابقه که در امور فرهنگی مشغول به کار می باشد نمونه گری به روش هدفمند و ملاک محور بوده و با ۱۸ نفر از مصاحبه کنندگان به اشباع نظری رسید. الگوی مطلوب موانع توسعه فرهنگی با ۲۰ مضمون احصاء شده و در مرحله بعد جهت اعتبارسنجی الگوی مطلوب از نظر خبرگان با پرسشنامه بصورت کمی استفاده نمودند که نتایج این پرسشنامه نشان می دهد الگوی مطلوب با ۹۶ درصد موافق و تایید خبرگان از نظر منطق، ویژگی‌ها و خرده شاخص‌های الگو می باشد.

کلمات کلیدی: الگوی مطلوب، توسعه فرهنگی، موانع توسعه فرهنگی، مناطق مرز نشین.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴

*نویسنده مسئول: farhadirani90@yahoo.com

مقدمه

فرهنگ پایه رفتارهای انسانی به شمار می رود و بخش قابل توجهی از رفتارهای اقتصادی نیز بر این بنیان است. توسعه اقتصادی که مستلزم رفتارهای خاص و ویژه‌ای در زمینه‌های مختلف زندگی انسان است، به فرهنگ و باورهای فرهنگی وابستگی زیادی دارد (۱).

اندیشه توسعه فرهنگی به عنوان سیاست ملی، به ویژه در چارچوب نظام سازمان ملل از حدود سال ۱۹۵۰ قوت گرفته و رواج یافت. طی دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ که به ده ساله اول توسعه ضهرت یافته است، تحول پرمعنائی روی داد و مفهوم توسعه، گسترش، تنوع و عمق یافت. در دهه ۱۹۷۰ در کشورهای اروپایی، مفاهیم و اصطلاحات جدیدی در عرصه فرهنگ وضع و به تدریج مرسوم شد که از مهم ترین آن‌ها توسعه فرهنگی و سیاست فرهنگی است (۲). توسعه فرهنگی فرایندی کیفی و ارزشی است که برای ارزیابی آن از نشانگرهای کمی در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی برای دستیابی به اهداف توسعه در قالب کالاها و خدمات استفاده می شود و در این بین آنچه مهم است، برنامه‌ریزی در مورد ماهیت و محتوای فعالیت‌های و خدمات فرهنگی است که به طور عموم از طریق ابزارهای فرهنگی حاصل می شود (۳). از سوی دیگر با نگاه به مرز نشینی و بحث عدم توسعه یافتگی در این مناطق می توان اذعان داشت که دولت باید نگاه خود را به سمت مرزها، از نظر استراتژیک بودن این مناطق، تغییر داده و به سمت ارتقای توسعه فرهنگی اقدام جدی به عمل آورد.

مرز از جمله مفاهیمی است که در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کارکردهای متفاوتی دارد که گاهی به صورت مشهود عینی وجود دارند که نمونه‌ی بارز آن‌ها مرزهای جغرافیایی و گاهی در قالب مفاهیم ذهنی نمود پیدا می کنند که خط و مرزهای اعتقادی و مذهبی افراد را تشکیل می دهند (۴).

امنیت مناطق مرزی و بالاخص پاپانه‌های مرزی همواره به وسیله نگرش‌های مختلف سیاست مداران و دولت مردان تحت تأثیر قرار گرفته است. در این راستا نگرش عده‌ای مبتنی بر رشد و توسعه در بستر امنیت در مناطق مرزی است. طرفداران این دیدگاه بر این باورند که تحقق امنیت از طریق توسعه است. در این دیدگاه توسعه نیافتگی عامل اصلی ناامنی است. بر اساس این دیدگاه برای تحقق امنیت در مناطق مرزی ابتدا باید عوامل تأثیر گذار بر امنیت را شناسایی نموده و از طریق ورود شاخص‌های توسعه به آن مناطق به تحقق و استقرار امنیت در آنجا کمک نمود. اما در نگرش سوم توسعه و امنیت رابطه تقدم و تاخیر ندارند، بلکه از رابطه هم عرض برخوردارند. بر اساس این نگرش به طور هم زمان عوامل مؤثر بر امنیت مناطق مرزی و توسعه آن مناطق مورد مطالعه قرار می گیرد (۵).

بنابراین اگر فرایند توسعه را کوششی هوشمندانه برای ارتقای سطح کیفی زندگی مردم بدانیم، باید اذعان داشت که نیاز کشوری همچون ایران به فرایند توسعه، به توسعه مناطق مرزی و محروم بسیار مشهود است. ایران برخوردار از استان‌ها و شهرستان‌های متعدد مرزی است که نوع تعامل مرزی ساکنین این مناطق با مردمان آن

قرار داشته‌اند، بدین‌سان در بسیاری موارد مرزنشینان صرفاً بصورت منفی و یا به هر حال همراه با جنبه‌های منفی ارزیابی می‌شوند. مناطق مرزی از نقاط حساس و استراتژیک کشور به شمار می‌آیند. طبیعت منزوی و غیرحاصلخیز مناطق مرزی به خصوص در عرصه‌های کوهستانی و بیابانی ایران پیوسته به دلیل فقدان رفاه و نبود انگیزه‌های لازم برای زندگی، زمینه ساز مشکلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای دولت‌های وقت بوده است. ناتوانی‌هایی بالقوه در تولید، فقدان اشتغال، نارل بودن درآمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه عمده‌ترین مشخصه اقتصادی-اجتماعی این مناطق است؛ زمینه را برای قاچاق کالا در این مناطق فراهم می‌آورد (۶) و این در حالی است که معمولاً جنبه‌ها و ارزشهای فرهنگی و یا منابع و برخورداری‌های اقتصادی و یا حتی میراث مشترک تاریخی آن‌ها با ساکنان درون مرزها و قسمت‌های داخلی نادیده گرفته می‌شوند.

مناطق مرزی در اغلب کشورهای دنیا به دلایل مختلف دارای موقعیت راهبردی هستند. زیرا از یک سو زمینه را برای توسعه مبادلات بین المللی کشورها فراهم می‌آورند و از سوی دیگر به دلایل شرایط خاص محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در صورت مورد توجه واقع شدن، شاخص‌های توسعه یافتگی کشورها را تغییر می‌دهند. آنچه که برای حفظ و تقویت این موقعیت مورد توجه قرار می‌گیرد، امنیت مناطق مرزی است.

مناطق مرزی در طول تاریخ به دلیل ضعف بالقوه جزو مناطق محروم محسوب می‌شوند که همواره حداقل توجه دولت‌ها به آن‌ها معطوف گردیده و در معرض تهدیدهای مختلف محیطی و یا فرهنگی و اقتصادی قرار گرفته‌اند و شیوه‌های گوناگون نبود امنیت در آن‌ها مشاهده شده است (۵).

سکونتگاه‌های مرزی به دلیل تماس با محیط‌های گوناگون داخلی و خارجی از ویژگی‌های خاصی برخوردارند. وجود مبادلات و پیوندهای فضایی دوسوی مرز و بین کشورهای مجاور، آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدهای مختلف، مرزها را به کانون‌های حساسی مبدل ساخته است. آنچه که در این میان از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد، توسعه همه‌جانبه سکونت‌گاه‌های مرزی است.

برای دستیابی به توسعه همه‌جانبه مناطق مرزی، شناخت امکانات و تنگناهای توسعه، امری ضروری است تا بتوان با شناخت جامع، برنامه‌ریزی بهینه‌ای در جهت توسعه این نواحی ارائه نمود (۱۰). بنابراین توسعه مفهومی است که به مجموع نیازمندی‌ها و ابعاد مختلف زندگی انسان توجه دارد. توسعه واقعی باید بتواند شرایطی را برای همه افراد جامعه صرف نظر از موقعیت استقرار مکانی (مرز یا مرکز) در همه ابعاد بالاخص توسعه فرهنگی، در جهت پویایی و تعالی مادی و معنوی آنان فراهم سازد (۱۱).

مناطق مرزی به دلیل اتصال به کشورهای هم‌جوار که ممکن است با تعارضات سیاسی نیز همراه باشد، در معرض خطر دائمی قرار می‌گیرند. بنابراین جلوگیری از فرایند تخلیه جمعیتی نواحی مرزی و استفاده از ظرفیت‌های سکونتی این مناطق، نوعی استراتژی امنیت ملی محسوب می‌شود که می‌بایست زمینه‌های اجرایی این استراتژی مهیا گردد.

با توجه به اینکه هدف کلی توسعه، رشد و تعالی همه‌جانبه جوامع انسانی است؛ لذا این پژوهش هم با هدف بررسی موانع و چالش‌های

سوی مرز تأثیر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی را رقم خواهد زد. ساماندهی به این تعاملات نیازمند مدیریت هوشمندانه است (۶). در برخی کشورها برای حفظ و گسترش امنیت مناطق مرزی به راهکارهای نظامی گرایانه روی آورده و سعی نموده‌اند که امنیت مرزها را از طریق تقویت نیروهای نظامی مستقر در مرزها و کنترل‌های شدید امنیتی برقرار نمایند. اما این راهکارها به علل گوناگون چندان کارآمد نبوده و به نتایج مثبتی منجر نشده‌اند. بنابراین در دهه‌های اخیر راهکارهای دیگری بدین منظور مطرح شده‌اند. راهکارهایی که نه بر نیروی نظامی، بلکه بر نیروهای اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی تأکید دارند. ایجاد و گسترش سطح توسعه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی در مناطق مرزی یکی از راهکارهای نوین است. دیدگاه‌های نوین در زمینه حفظ و گسترش امنیت در مناطق مرزی بر اهمیت و ضرورت راهبرد توسعه پایدار مناطق مرزی تأکید دارند (۷).

این دیدگاه‌ها بر آنند که با گسترش سطح توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در مناطق مرزی می‌توان امنیت پایدار را در این مناطق تضمین نمود. بر اساس بررسی‌ها و مطالعات صورت گرفته، امنیت و توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در مناطق مرزی با همبستگی بالا دارای رابطه‌ای مستقیم و دوسویه به یکدیگر می‌باشند؛ به گونه‌ای که مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه اقتصادی از ضریب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه نیافته برخوردار است. از آنجا که مناطق مرزی از مرکز دور می‌باشند و همواره با تهدید محرومیت و حاشیه‌ای بودن روبرو هستند، توجه به توسعه و امنیت مناطق مرزی و افزایش درآمد اقتصادی مرزنشینان از طریق فعالیت‌های سالم اقتصادی با حمایت و سرمایه‌گذاری دولت‌ها بر کارکرد امنیتی مرز و مرزنشینان تأثیر مثبتی دارد (۸).

از دغدغه‌های اصلی پژوهشگر این است که در سراسر مرزهای کشور ایران مرزنشینانی سکونت دارند که در زندگی خود دارای مشکلات بسیار و متعددی هستند. عمده‌ترین آن‌ها عبارتند از بیکاری، فقر، کمبود درآمد و سرمایه، مشکلات امنیتی - سیاسی، کمبود زمین‌های کشاورزی، آب، مراکز بهداشتی، درمانی و آموزشی، کمبود راه‌های ارتباطی، شرایط بد آب و هوایی و بسیاری دیگر از این مسائل در این منطقه قابل مشاهده است. وجود این مشکلات باعث دگرگونی و تحول بسیاری در زندگی این مردمان شده است که آن‌ها را اجباراً به سوی معضلات و نابسامانی‌هایی چون مهاجرت، قاچاق کالا، شورش و ناامنی در این مناطق دیده می‌شوند.

گرچه مرز، قاعدتاً حد سیاسی و به عنوان عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی از واحدهای دیگر به شمار می‌آید؛ نباید و نمی‌توان آن را همیشه و همه جا صرفاً به عنوان یک خط جداکننده به‌شمار آورد، زیرا ممکن است مرزهای سیاسی از لحاظ جامعه مرزنشین، موجب اختلال در احساس تعلق قومی-فرهنگی و یا تعامل اجتماعی-اقتصادی آنان گردد (۹).

در دوره‌های تاریخی، اجتماعی مرزنشین عمدتاً جمعیت‌هایی بوده‌اند که از یک سو آزاد در قلمروهایی معین به‌شمار می‌آمدند اما در دفاع از سرزمین اصلی آماده خطرپذیری و مقابله با بیگانگان بوده‌اند، ولی از دیگر سو، پیوسته در معرض ظن و حاشیه‌گرایی

ضوابط اقتصادی کاری نادرست و خطرناک است. چون خوشبختی انسان و کیفیت زندگی با مقیاس پول قابل سنجش نیست.

۴- عدم استفاده از قدرت سیاسی در توسعه فرهنگی: قدرت سیاسی بی صلاحیتترین قدرت برای به عهده گرفتن وظیفه خطیرعلاقه مندرکردن مردم به فرهنگ است (۱۱).

۵- شناخت وضعیت موجود فرهنگی: به منظور تأمین شرایط مناسب برای دستیابی به وضعیت مطلوب فرهنگی و نشان دهنده وضعیت موجود فرهنگی (۱۳).

سیاست گذاری، براساس عنصر عقلانیت به عنوان یک عنصر فرهنگی و مهمترین عامل، موجب شناخت جوامع جدید و توسعه ابعاد مختلف نظام اجتماعی می‌شود. وبر ۱، نیز سیاست گذاری بر پایه عقلانیت را به منزله اقتدار عمومی در سطح محلی، ملی و بین المللی می‌داند. سیاست گذاران فرهنگی باید دارای ویژگیهای زیر باشد:

۱- فرهنگ برآیند و ما حاصل مجموعه ارزشها، هنجارها و قواعد رفتاری جامعه است، بنابراین سیاست گذاری در سطح خرد و کلان بر مبنای ارزشهای افراد، توجه به ارزشها و تغییر در آنهاست.

۲- سیاست گذاریهای کلان در یک محیط پویا، تدوین و اجرا می‌شوند.

۳- سیاست گذاری مبتنی بر قدرت حکومت و فرآیندهای سیاسی جامعه است.

۴- فرهنگ و ارزشها، اولویت حکومت‌ها را در سیاست گذاری معین می‌کند و سیاست گذاریها نیز در تحول فرهنگی و ارزشهای جامعه مؤثرند.

۵- ارزشها و اصول نهادینه شده همواره محدودیتهایی را فراروی سیاست گذاری قرار می‌دهند و گاهی سبب شکست و عدم موفقیت آنها می‌شوند (۱۴).

اهداف توسعه فرهنگی

جوامع انسانی برای پرهیز از عقب نگه داشته شدن در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره به توسعه همه جانبه و به ویژه توسعه فرهنگی نیاز دارند (۱۵). به عبارت دیگر، توسعه فرهنگی و تحقق اهداف آن ضرورت و نیاز جوامع امروزی است تا در قبال آن ارزشها، باورها و هنجارهای جامعه در رفتار، کردار و ارتباطات اجتماعی افراد جهت رسیدن به جامعه‌ای مطلوب، تجلی یابد. بدین منظور برخی از اهداف توسعه فرهنگی در زیر بیان شده است:

۱- یاری رساننده به جامعه در کسب و رشد اصالت‌ها، خلاقیت‌ها، فضیلت‌های اجتماعی از طریق بازشناسی و باز آفرینی فرهنگ مستعد و مساعد درونی

۲- ارتقای کیفیت زندگی در تقابل با دگرگونیهای سریع اجتماعی، اقتصادی، صنعتی و بهره مند ساختن جامعه از توسعه مادی به جای محروم ماندن از آن

۳- همگانی کردن فرهنگ از طریق جلب مشارکت تمامی آحاد جامعه و گروههای اجتماعی در فرهنگ آفرینی و تقویت گسترش رقابتهای سازنده

۴- به حداقل رسانیدن عوارض تاریخی و اجتماعی توسعه نیافتگی که اغلب موجب بروز نوعی توسعه ناموزون، ناهمزمان و نامتوازن در جامعه می‌شود (۱۶).

توسعه فرهنگی در مناطق مرزی در صدد آن است ضمن شناسایی و بررسی موانع توسعه فرهنگی در مناطق مرزی غرب کشور به سؤالات زیر پاسخ دهد: آسیب‌ها و موانع موجود در مناطق مرز نشین غرب کشور در خصوص بعد فرهنگی کدامند؟ الگوی مطلوب توسعه فرهنگی در مناطق مرز نشینی از چه ویژگی‌ها و مشخصاتی برخوردار است؟

مفاهیم و تعاریف

توسعه فرهنگی

توسعه فرهنگی، نماد تحول در زندگی فرهنگی و روابط آن با سایر اشکال توسعه (اقتصادی، اجتماعی، علمی و سیاسی) است در واقع توسعه فرهنگی را باید افزایش ظرفیت خلاقیت و نوآوریها در ارزشها و رفتارهایی دانست که آدمیان در زندگی روزمره آنها را به کار می‌گیرند و با آنها زندگی می‌کنند در این راستا، رثوفی (۱۲) هشت بعد برای توسعه فرهنگی در نظر گرفته است:

۱- دسترسی به فرهنگ

۲- آموزش و پرورش فرهنگی و هنری

۳- ارتقای خلاقیت و نوآوری

۴- تشویق فرهنگ عامه و فرهنگ سنتی

۵- تقویت هویت فرهنگی

۶- ارتقای مبادلات فرهنگی

۷- حفظ میراث فرهنگی

۸- توسعه نگرش‌های قطعی در باب فرهنگ (همان).

اجتهاد نژاد کاشانی و پرویز اجلائی نیز هشت بعد، برخورداری فرهنگی، ابداع فرهنگی، تکثر فرهنگی، تعامل فرهنگی، مشارکت فرهنگی، شمول فرهنگی، وفاق فرهنگی و بازاندیشی فرهنگی را برای توسعه فرهنگی شناسایی کرده‌اند و معتقدند که به منظور دستیابی به این ابعاد بایستی نظام‌های آموزشی عمومی و رایگان در اختیار همگان قرار گیرد و امکانات لازم آموزشی برای همه طبقات، گروه‌های سنی، جنسی، قومی و مذهبی فراهم گردد.

با توجه به گستردگی مفهوم فرهنگ، توسعه فرهنگی موضوعی مهم و درعین حال دشوار است. توسعه فرهنگی به همکاری و مساعدت دولت و بخش خصوصی نیاز دارد، که برای هر کدام وظایف مشخصی در نظر گرفته شده است. همان‌طور که قبلاً نیز در بحث توسعه فرهنگ بیان شد، دولت باید بیشتر در تصمیم‌گیری و برنامه ریزی برای فرهنگ دخالت داشته باشد و از حضور مستقیم در امور اجرایی پرهیز کند. بنابراین برای تبیین مسئولیت دولت در قبال توسعه فرهنگی موارد زیر به اختصار شرح داده شده است:

۱- تقویت و افزایش کمک و تعهد دولت: البته توسعه فرهنگی همه جانبه با کمک دولت این خطر را دارد که سیاست و مفهومی انحصاری و دولتی و فرمایشی از فرهنگ رواج یابد.

۲- عدم واگذاری کامل توسعه فرهنگی به بخش خصوصی و مردم: اگر دولت توسعه فرهنگی را به حال خود رها کند موجب ضعف شدن فرهنگ و خروج تدریجی آن از صحنه زندگی و نیز پیدایش نوعی دوگانگی در قلمرو فرهنگ می‌شود.

۳- حمایت از مکانیسمهای اقتصادی در قلمرو فرهنگ که مورد قبول مردم است: توجیه و تبیین توسعه فرهنگی تنها با موازین و

دارد که در پیشرفت جامعه نقش دارند، اما تنها اتکاء به آن‌ها نمی‌تواند پشتوانه‌ای قوی در برنامه‌های توسعه فرهنگی جامعه باشد. البته در کنار این ظرفیت‌ها، بخش فرهنگ با تنگناها و موانعی مواجه است که عبارتند از:

۱- نابرابری‌های فرهنگی، فضایی و اجتماعی ناشی از عدم تعادل‌های اقتصادی و عدم توزیع مناسب امکانات، منابع و نبود ساختار خاص نظام برنامه ریزی

۲- کم توجهی به فرهنگ و برنامه ریزی توسعه فرهنگی در برنامه‌های توسعه و سیاست‌گذاری (همان ص ۹۵).

۳- عدم توجه به نقش مستقل فرهنگ در نظام برنامه ریزی و سیاست‌گذاری

۴- داشتن دید اقتصادی به شاخص‌های فرهنگی

۵- قراردادن امور و فعالیت‌های فرهنگی به صورت بخشی و فرابخشی (۱۹).

یکی از راه‌های توسعه فرهنگی، تدوین سیاست‌های فرهنگی است که دولت‌ها برای آن بودجه، طرح‌های توسعه و نهادهای عمومی از قبیل موزه‌ها، مراکز فرهنگی، آکادمی‌های هنری و غیره را تعیین و ایجاد کرده‌اند. واقعیت این است که توسعه فرهنگی وجود و واقعیت دارد و این توسعه فرهنگی جزء توسعه عمومی جامعه است و از این بابت باید موضوع سیاست‌گذاری مقامات ملی قرار گیرد. نقش سیاست‌های فرهنگی در توسعه فرهنگی به شرح زیر است:

۱- سیاست فرهنگی در حقیقت همان توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تدوین و تعیین مهمترین اصول و اولویت‌های لازم در حرکت فرهنگی است.

۲- سیاست فرهنگی راهنمای کارگزاران فرهنگی است.

۳- سیاست فرهنگی، مجموعه علائم و نشانه‌هایی است که مسیر حرکت فرهنگ را نشان می‌دهد.

۴- سیاست فرهنگی نوعی دستورالعمل فرهنگی است که روشنگر حرکت‌های فرهنگی است.

۵- سیاست فرهنگی معاهده‌ای است که سلسله‌ای از اولویت‌های اصول و فروع یک حرکت فرهنگی را رسمیت می‌دهد و همفکری و هم‌جهتی را باهمکاری و هماهنگی توأم می‌کند.

۶- سیاست فرهنگی راهنمای مسئولان، مدیران، برنامه ریزان و کارگزاران فعالیت‌های فرهنگی است.

اصول سیاست‌های فرهنگی جامعه راهنمای مسئولان، مدیران، برنامه ریزان و کارگزاران فعالیت‌های فرهنگی است. اگر این اصول مورد توجه قرارگیرند نشان خواهد داد که تمامی آنچه به‌عنوان مبانی توسعه فرهنگی بیان می‌گردد در حقیقت در چارچوب این اصول قرار دارند:

۱- بازشناسی و ارزیابی موارث و سنن تاریخی و ملی در عرصه‌های مختلف دینی، علمی، ادبی و هنری و فرهنگ عمومی و نگاهبانی از موارث اسلامی و ملی و حفظ و احیاء دستاوردهای مثبت و ارزشمند تمدن اسلام و ایران

۲- شناخت جامع فرهنگی و مدنیت اسلام و ایران و ترویج اخلاق و معارف اسلامی و معرفی شخصیت‌ها و عظمت‌های تاریخ اسلام و ایران ۳- ارتباط فعال با کشورهای و ملت‌ها و تحکیم پیوندمودت و تقویت همبستگی با مسلمانان و ملل دیگر جهان

حضور فعال در جهان امروز، مستلزم تغییر و تحول بنیادی است و طبعاً، توسعه فرهنگی از مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود. تغییر خصوصیت تمام فرهنگ‌هاست، ولی میزان و مسیر تغییر از فرهنگی به فرهنگ دیگر و از زمانی به زمان دیگر متفاوت است، بدین ترتیب، خلاقیت و نوآوری فرهنگی و فرهنگ پذیری، دو عامل عمده‌ی توسعه فرهنگی محسوب می‌شوند (۱۷). تغییر فرهنگی دگرگونی و تغییراتی است که در پدیده‌های فرهنگی نظیر معرفت، آراء، افکار، آداب و رسوم آیین‌های دینی و اخلاقی، هنر، اعتقادات، باورها، انتظارات و توقعات، شیوه زندگی، امیال و خواسته‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، پوشاک، غذا و یا به طور کلی در فرهنگ مادی و غیر مادی صورت می‌پذیرد. پس فرهنگ تغییر می‌کند و دگرگون می‌شود. برخی از مهمترین عواملی که بر میزان و سرعت دگرگونی مؤثر است عبارتند از:

۱- محیط طبیعی: تغییرات کند و آرام و تأثیرات آنها بر زندگی اجتماعی بسیار کم مانند جنگ، زلزله، طوفان

۲- جمعیت: تغییر در اندازه، ترکیب و توزیع جمعیت که تغییرات اجتماعی بعدی را به دنبال دارد.

۳- تحولات سیاسی انقلابها و اصلاحات اجتماعی: وجه مشترک همه انقلابها فرآیند تغییر است و از جمله مواردی که تغییر و تحولات وسیع فرهنگی را موجب می‌شود، انقلاب فرهنگی است.

۴- پیشرفت فناوری: به نظر می‌رسد امروزه تکنولوژی مهمترین علت مؤثر بر دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی است. هر چه دگرگونیها سریع تر باشد، دگرگونی‌های فرهنگی نیز بیشتر خواهد شد.

۵- ارتباطات: در فرآیند توسعه فرهنگی ارتباطات به‌عنوان یک ابزار یا وسیله عمل می‌کند که از یک سو فرهنگ در حال بویایی و تکامل به وسیله آن به بازسازی و تجدید ساختار عناصر خود دست می‌زند و از سوی دیگر به وسیله آن به عناصر جدیدی نیز دست می‌یابد. به طور کلی فرآیندهای مؤثر بر تغییر و تحول فرهنگی شامل موارد زیر است:

۱- نوآوری: عبارت از پدیداری عادات جدید فرد است که به تدریج مورد قبول و پذیرش اعضای دیگر جامعه قرار می‌گیرد.

۲- ابداع: به‌کارگیری ایده‌های نوین منتج از خلاقیت، اشتغال عناصر فرهنگی از یک موقعیت به موقعیت‌های دیگر و یا تلفیق جدیدی از عناصر فرهنگی

۳- اختراع: رفتارهای معمول تحت شرایطی که به تدریج صورت می‌پذیرد مجبور به تغییر شوند.

۴- اکتشاف: به وجود آوردن عناصر فرهنگی جدید، که الزاماً ادامه عناصر قبلی فرهنگ نباشد.

۵- اشاعه: فرآیندی است که نوآوری و دیگر عناصر فرهنگی را از یک جامعه به جامعه دیگر گسترش می‌دهد و تغییرات سریعتر در جوامع را موجب می‌شود (۱۸).

موانع توسعه فرهنگی

بخش فرهنگ در نظام برنامه ریزی توسعه جامعه ظرفیتها و قابلیت‌های زیادی همچون ظرفیت‌های ملی و دینی، اقتصاد، فرهنگ و اشتغال زایی، غنی سازی اوقات فراغت، محصولات فرهنگی و غیره

۲۲- تلاش برای شناخت و معرفی ارکان هویت اصیل دینی و ملی به منظور استحکام و استمرار استقلال فرهنگی

۲۳- گسترش روحیه نقد و انتقادپذیری و حمایت از حقوق فردی و اجتماعی برای دعوت به خیر و همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر بر مبنای حکمت، موعظه حسنه، شرح صدر و جدال به آنچه احسن است.

۲۴- توسعه و اعتلای تبلیغات فرهنگی و هنری به نحو مناسب به منظور ترویج و تحکیم فضائل اخلاقی طوری که مدیریت تحول فرهنگی، رسیدن به وضعیتی مطلوب را به عنوان میانی توسعه فرهنگی در نظر داشته باشد. این میانی به اختصار بیان می‌گردد.

الف) تکامل شخصیتی و تعالی روحی و معنوی ۱- توجه به اخلاق، معنویت و ارزشهای متعالی فرهنگی جهت سلامت روحی و فکری جامعه در برابر آسیبهای اجتماعی

۲- برنامه ریزی واقع بینانه تر در زمینه آموزش نظری و عملی در برنامه‌های آموزشی و پرورشی ۳- تقویت برنامه‌های درسی و دانشگاهی و تحلیل مسائل عینی براساس تعالیم اخلاقی در خلال مباحث این درسها

۴- تدوین و ارائه برنامه‌های عملی و فرهنگی ناظر بر ارزشهای معنوی از طریق وسایل ارتباط جمعی ۵- اصلاح روابط اجتماعی و افزایش بهره‌وری اقتصادی به‌عنوان مهمترین عوامل تسهیل کننده فرایند توسعه

ب) استقلال و هویت فرهنگی ۱- تعریف عناصر متشکله فرهنگ و رفع ابهامات و تضادها

۲- تعیین سازمانها و نهادهای متولی فرهنگ عمومی و شرح خدمات و مسؤلیتهای هر یک ۳- ارزیابی آثار و عواقب ارتباط فرهنگی با سایر فرهنگها ۴- تبیین تعامل فرهنگی و تعیین زمینه و چگونگی تعامل با فرهنگها

۵- شناخت آسیبهای فرهنگی و تعریف برنامه‌های مشخص و معین برای چاره جویی ۶- مشخص کردن سیاست فرهنگی ملی و برخورداری سازمانها و نهادهای فرهنگی از راه کارهای همسو و موافق با سیاست کلی

۷- شناسایی ظرفیتهای فرهنگی، اخلاقی و بومی و ایجاد برنامه‌های مشخص برای معرفی و تقویت آنها ۸- شناسایی عناصر فرهنگی سازگار با توسعه و استفاده از ابزارهای تشویقی و انگیزشی اقتصادی برای تقویت و شکوفایی آنها

ج) نظم و امنیت عمومی و انسجام و توازن فرهنگی

۱- ایجاد برنامه‌هایم‌دوون و مشخص برای پیشگیری و چاره جویی مشکلات با تأکید بر حفظ نظم و امنیت و صیانت از اخلاق عمومی با بهره‌گیری از برنامه‌های آموزشی، تربیتی و ارشادی برای کودکان و نوجوانان

۲- طراحی و تدوین برنامه‌های جامعه برای بهره‌گیری از نهادهای اجتماعی و فرهنگی همچون خانواده، مدرسه و انجمن‌های غیردولتی

مفهوم توسعه مناطق مرزی

محدوده جغرافیائی فراتر از مراکز زیست و فعالیت (مانند شهر و روستا) و خردتر از مرزهای ملی را منطقه گویند. به راین اساس توسعه منطقه‌ای عبارت از مفهوم توسعه برای مردم در محدوده

۴- شناخت فرهنگ و تجربه‌های بشری و استفاده از دستاوردهای عملی و فرهنگی جهانی با بهره‌گیری از کلیه روشها و ابزار مفید و مناسب ۵- تحکیم وحدت ملی و دینی با توجه به ویژگیهای قومی و مذهبی و تلاش در جهت حذف موانع وحدت

۶- تلاش مستمر در جهت رشد علمی، فرهنگی و فنی جامعه و فراگیر شدن امر سواد و تعلیم و تربیت ۷- اهتمام به امر زبان و ادبیات فارسی، تقویت و ترویج و گسترش آن ۸- بسط زمینه‌های لازم برای شکوفایی استعدادها و خلاقیتها و حمایت از ابتکارات و ابداعات

۹- پاسداری از هویت و امنیت انسان در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، قضایی و اقتصادی ۱۰- فراهم ساختن شرایط و امکانات کافی برای مطالعه و تحقیق و بهره‌گیری از نتایج آن در همه زمینه‌ها ۱۱- تقویت فکر و تعقل و قدرت نقادی و انتخاب در عرصه تلاقی و تعارض افکار

۱۲- مقابله باخرافات و موهومات، جمود و تاجر فکری، مقدس مآبی، ظاهرگرایی و مقابله با افراطدر تجدد طلبی و خود باختگی در برابر بیگانگان تحت شعار واقع گرایی ۱۳- ترویج روحیه قیام به قسط و عدالت اجتماعی

۱۴- ارزش دادن به کار و اهمیت بخشیدن به تلاش و کوشش در جهت استقلال و خودکفایی در عین التزام به کفاف قناعت و مبارزه با روحیه اسراف و تبذیر ۱۵- پرورش روح و جسم با اهتمام همه جانبه به امر ورزش و تربیت بدنی به‌عنوان یک ضرورت مهم اجتماعی

۱۶- تقویت و احیاء و معرفی هنر اصیل و سازنده در تمامی عرصه‌ها و زمینه‌های سازگار با روح تعالیم اسلامی

۱۷- اهتمام و اقدام همه جانبه به منظور شناخت نیروها و نیازها و مقتضیات جسمی و روحی نسل جوان کشور و فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای تکامل و تعالی شخصیت علمی و عقیدتی جوانان و مسؤولیت پذیری و حضور مستقیم و مشارکت هر چه بیشتر آنان در عرصه‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی

۱۸- تقویت شخصیت و جایگاه واقعی زن مسلمان به‌عنوان مادر و ترویج و فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای ایفای نقش و رسالت اساسی خود به‌عنوان مربی نسل آینده و اهتمام به مشارکت فعال زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، هنری و سیاسی و مبارزه با بینشها و اعتقادات نادرست در این زمینه

۱۹- گسترش زمینه مشارکت و مباشرت مردم در امور فرهنگی، هنری، علمی و هم چنین حمایت از فعالیتهای و اقدامات غیر دولتی به منظور همگانی شدن فرهنگ و توسعه امور فرهنگی با نظارت دولت

۲۰- اتخاذ سیاستهای ایجابی و مثبت در امور فرهنگی، هنری و اجتماعی و ایجاد مصونیت برای افراد و جامعه و اهتمام به جاذبه و رحمت و جامع‌نگری و دور اندیشی و شور و مشورت و پرهیز از خشونت و شتابزدگی و یک سونگری و استبداد رأی

۲۱- آموزش و تشویق و تقویت روح اجتماعی و مقدم داشتن مصالح جمعی بر منافع فردی، احترام گذاشتن به قانون و نظم عمومی به عنوان یک عادت و سنت اجتماعی و پیشقدم بودن دولت در دفاع از حرمت قانون و حقوق اشخاص

فضایی مورد نظر است. روند توسعه باید همراه با افزایش توانایی‌ها به گسترش انتخاب‌های ساکنین در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بیانجامد تا توسعه انسانی باشد (راستی، ۱۳۹۵). چنانچه منطقه از یک یا چند طرف با کشورهای مجاور همسایه باشد منطقه مرزی به وجود می‌آید که توسعه در آن نیز مفهوم توسعه منطقه است.

با توجه به این مفهوم از توسعه منطقه‌ای که تأکید بر توسعه انسانی با محوریت نیازمندی‌های مادی و معنوی است. می‌توان خصوصیات و ویژگی‌های زیر را در توسعه مناطق مرزی استنتاج و ارائه نمود:

۱- ابعاد توسعه مناطق مرزی با ابعاد توسعه‌ی کشور در هم تنیده‌اند به عبارت دیگر توسعه مناطق مرزی با توسعه ملی از رابطه‌ای متقابل برخوردارند.

۲- مناطق مرزی محل تلاقی برنامه‌های توسعه‌ی داخل کشور با برنامه‌های توسعه کشور همسایه است. بدین جهت تأثیر متقابل این برنامه‌ها بر یکدیگر که می‌تواند منفی (تهدید) و یا مثبت (فرصت) تلقی شوند باید مد نظر قرار گیرند.

۳- مناطق مرزی علاوه بر تأثیر پذیری از شرایط و ویژگی‌های مربوط به کل کشور، متأثر از مسائل و ویژگی‌های خاص مناطق مرزی است، خصوصیات مانند دور از مرکز، انزوای جغرافیایی، تنوع قومیت‌ها و مذاهب و خرده فرهنگ‌ها و کاهش میزان نظارت و کنترل دولت مرکزی بر آنها که این عوامل نیز بر توسعه مناطق مرزی تأثیر گذارند.

۴- با توجه به منابع انسانی و شرایط طبیعی جغرافیایی و سیاسی مناطق مرزی در فرایند توسعه ملی، می‌توان از طریق طرح‌های نظامی (سیستمی) هماهنگ، برنامه ریزی مبتنی بر منابع محلی را در اولویت قرار داد.

۲-۳- نظریه‌های توسعه منطقه‌ای در این قسمت به چگونگی پیدایش برنامه ریزی توسعه منطقه‌ای و نظریه‌هایی که در این رابطه بیان شده‌اند، پرداخته و نمونه‌هایی از راهبردهای توسعه منطقه‌ای معرفی می‌گردد. می‌توان از این راهبردها که در مورد مناطق یک کشور ارائه شده است در جهت تدوین راهبردهای توسعه مناطق مرزی از جمله منطقه مرزی بندر انزلی استفاده کرد.

برنامه ریزی توسعه برای اولین بار توسط دولت شوروی سابق (در پی انقلاب ۱۹۱۷) با انگاره اقتصاد با برنامه، بکار گرفته شد. با بروز بحران رکود بزرگ اقتصادی در سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۵، کشورهای غربی دارای اقتصاد بازار نیز به برنامه ریزی مرکزی روی آوردند (۲۰).

پس از آن کشورهای نوا استقلال یافته با جا افتادن مفهوم نوین توسعه به برنامه ریزی توسعه ملی با تکیه بر توسعه اقتصادی پرداختند، که نتیجه آن تمرکز بیش از حد جمعیت و فعالیت در نواحی محدود بود، که به تدریج مسئله منطقه‌ای شکلی حاد در این مناطق بروز کرد و توسعه ناموزون منطقه‌ای را به وجود آورد (۲۰). در رابطه با توسعه ناموزون منطقه‌ای، دیدگاه‌های مختلفی از نظریه‌هایی که این گونه توسعه را مرحله‌ای گذرا در سیر تکاملی توسعه ملی دانسته تا نظریه‌های انتقادی که بر توزیع عادلانه توسعه متکی بودند ارائه گردید. که در نهایت نظریه‌های توسعه منطقه‌ای را شکل دادند.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کیفی و کمی (روش آمیخته) است. پژوهش‌های آمیخته، پژوهش‌های هستند که با استفاده از ترکیب دو مجموعه روش‌های تحقیق مکی و کیفی به انجام می‌رسند معمولاً در انتخاب عنوان طرح‌های تحقیق که با استفاده از روش‌های تحقیق آمیخته انجام می‌شود از عبارت‌ها یا واژه‌هایی مانند روش‌های پژوهش کیفی، مدل آمیخته به هم تیدگی، روش‌شناسی آمیخته استفاده می‌شود (۲۱).

جهت انجام جامعه آماری و حجم نمونه از طریق این روش مصاحبه کیفی، با تعداد افرادی که کاملاً دست‌چین شده‌اند و نسبت به موضوع موردبررسی با تعامل با یکدیگر نظر می‌دهند، انجام گردید. در این روش یک نمونه غیر احتمالی از جامعه مورد مطالعه برای مصاحبه گروهی انتخاب شد. در انتخاب این نمونه سعی گردید که افراد کاملاً همگن باشند و یا این که از نظر برخی ویژگی‌ها مشابه یکدیگر باشند. به عبارت دیگر گرد هم آوردن افرادی که از نظر ویژگی‌ها یکسان باشند، انجام مصاحبه را آسان می‌کند. بنابراین جامعه مورد مطالعه پژوهش حاضر، مناطق مرز نشین با محوریت جامعه کردنشین می‌باشد.

جهت انجام حجم نمونه به‌جای نمونه‌گیری احتمالی از راهبردهای نمونه‌گیری قصدی یا نمونه‌گیری هدفمند استفاده گردید. در این نوع نمونه‌گیری پژوهشگر سعی بر آن دارد که افراد را چنان انتخاب کند تا هدف تحقیق تحقق یابد. اما در یک مطالعه پدیدارشناسی که در آن باید افرادی مورد مشاهده قرار گیرند که پدیده مورد نظر را تجربه کرده‌اند. ضرورت دارد ملاک خاصی برای انتخاب افراد مورد نظر باشند. بر این اساس، نمونه آماری مورد نظر در پژوهش حاضر نمونه‌گیری هدفمند و ملاک محور است و با استفاده از ۱۸ نفر از متخصصان و صاحب‌نظران در حوزه فرهنگی، اعم از اساتید دانشگاه، پژوهشگران علوم اجتماعی و مدیریت فرهنگی، فرماندار و سایر افرادی که در این حوزه متخصص می‌باشند، استفاده گردیده است.

جهت جمع‌آوری داده‌ها با توجه به این که تحقیق حاضر در چند مرحله و با بهره‌گیری از روش‌های مختلف انجام است. ابزارها و روش‌های جمع‌آوری داده‌ها نیز گوناگون بوده است. در مرحله اول مطالعه، منابع، کتب، مقالات و سایت‌های اینترنتی شناسایی گردید، سپس با دسته‌بندی کردن کتب و مقالات و سایر منابع مرتبط با عنوان پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و فیش‌برداری، اطلاعات مورد لزوم جمع‌آوری شد و همچنین با مصاحبه از متخصصان و جامعه‌شناسان و اساتید هر رشته داده‌های مصاحبه گردآوری گردید. در این مرحله با سیاست‌گذاران، متخصصان علوم اجتماعی، اساتید مدیریت با تنظیم وقت قبلی مصاحبه‌ای نیمه‌ساختارمند به منظور شناسایی مؤلفه‌ها و ساختارهای مناسب در مورد ویژگی‌های الگو با آن‌ها انجام خواهد شد و کلیه مصاحبه‌ها ضبط و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روش انجام مصاحبه از طریق تشکیل گروه کانونی بود.

یافته‌ها

در این قسمت به منظور طراحی الگوی مطلوب با استفاده از نظر خبرگان مضمونهای احصا شده از مصاحبه‌ها با الگوی مفهومی تلفیق داده می‌شود.

موانع توسعه فرهنگی در مناطق غرب کشور کدامند؟	کدهای باز
در بعد فرهنگی مهم‌ترین مساله در مناطق کردستان حضور عناصر فرهنگی غیرکردی و استعماری است که بدون هیچ ارزیابی منجر به ایجاد بی‌سازمانی شده است. اگر چه فرهنگ کردی دارای نوعی گشودگی است که عناصر فرهنگی دیگران را می‌گیرد با این وجود در دنیای معاصر بیشتر شکل نوعی اجبار در پذیرش بدون ارزیابی به خود گرفته است که حالت تهاجم و تقلید به خود می‌گیرد. مادامی که قابلیت سازگاری با فرهنگ کردی وجود نداشته باشد و یا نهادی این کار را انجام ندهد وضعیت آشفستگی و بی‌سازمانی تشدید می‌گردد.	وجود فرهنگ غیر عدم ارزیابی تقلید فرهنگی پذیرش بدون ارزیابی عدم قابلیت سازگاری با فرهنگ کردی عدم توجه به دستاوردهای مثبت فرهنگی گرایش خرافاتی
در یک بعد شکلی از گشودگی که در بالا اشاره شد در فرهنگ کردی غالب است و در یک بعد دیگر در مواجهه با این اشکال استعماری و تقلیدی شکلی از سیستم بسته ایجاد می‌شود که در این سیستم بسته معمولاً حتی دستاوردهای مثبت هم با دیده شک نگریسته می‌شود. این موانع معمولاً شکلی از تقدیرگرایی و خرافات و عقیده به فال، فرهنگ قاچاق و کارگری و از همه مهم‌تر شکل کار پایدار و چشم و هم‌چشمی رایج هست که این فرهنگ را فاقد قدرت معرفی می‌کند. در مقابل این بی‌قدرتی نیز اشکالی از ناامیدی از فرهنگ کردی و تسلیم در برابر فرهنگ‌های دیگر به چشم می‌خورد.	فرهنگ قاچاق B کارگری تسلیم فرهنگ دیگران عدم تحمیل‌پذیری فرهنگی عدم انتقال‌پذیری فرهنگی قراردادی بودن مرز
از نظر من ویژگی‌ها یا پیش‌فرض‌های زیر برای توسعه و توسعه‌ی فرهنگی بایستی در نظر گرفته شود. توسعه به طور کلی امری قابل تزییق، تحمیل، پیوند و انتقال نیست. بنابراین هر جامعه‌ای متناسب با شرایط خاص خود و در بستر تحولات تدریجی می‌تواند در مسیر مناسب توسعه خود قرار گیرد.	
از نظر من مرز یک امر قراردادی است و بنابراین در مورد مرزنشینی در بعد جغرافیایی، برای من تفاوت چندانی میان مرکز کشور در تهران با نوار مرزی در غرب و شرق کشور ندارد. هر دو مرزنشین‌اند. با این تفاوت که مرزنشین در مرکز کشور، در جوار مرز هوایی قرار دارد، یعنی با پرواز از محدوده‌ی مرز هوایی کشور، با دنیای خارج ارتباط می‌یابد ولی مرزنشین در مرزهای زمینی مانند مناطق کردنشین مرزی، محدود به یک محدوده‌ی خاکی هستند که بنا به تعریف، حق عبور از آن را در شرایطی خواهند داشت که مرزبانی و دروازه‌ی تعریف شده‌ی مرزی برای عبور و مرور پیش‌بینی شده و با جواز (پاسپورت و ویزا) امکان عبور از آن را دارند (درست مانند مرز هوایی). چون مرزها قراردادی است، معمولاً در غیاب آن، سرزمین‌ها امتداد فرهنگی یکدیگرند و مرزها موجب جدایی طبیعی مردمان این مناطق از یکدیگر شده‌اند (موضوع تابعیت) اما به صورت طبیعی، این مردمان ارتباط عاطفی، فرهنگی و خانوادگی با یکدیگر دارند و مرزهای قراردادی هیچ‌وقت مانع این ارتباط نبوده‌اند و در صورت ایجاد مانع نیز، مردم با عبور خودخواسته و بدون اجازه‌ی رسمی، ارتباطشان را سامان بخشیده‌اند. اما این ارتباط خطراتی را نیز برای آنها ایجاد کرده است.	ارتباط عاطفی مرز عامل جدایی مردمان نگاه امنیتی به مناطق تهدیدات مرزی عدم وجود حقوق مرزنشینی عدم حمایت مالی از مردمان مرزنشین
از این رو من در بادی امر چنانکه اشاره کردم، موضوع امنیت و غلبه‌ی دیدگاه امنیتی (غلیظ‌تر) را بر مناطق مرزی در کردستان و نقاط دیگر کشور، چالش و آسیب اصلی می‌بینم که به نظر می‌رسد امکان بروز و شکل‌گیری توسعه را در مناطق مرزی نمی‌دهد. ممکن است که گفته شود، همواره مرزها با تهدیداتی روبرویند. این امر را می‌توان بخوبی درک کرد. اما در کنار آن می‌توان برای مردم مناطق مرزی، حقوقی را در نظر داشت که بتواند مانع از تبدیل آن به تهدید شود. به عنوان مثال، قانون‌گذار برای مردم مرزی کشور از نظر تعیین هزینه‌های فروش سوخت در مناطق مرزی، سهمی را به صورت فردی تعیین کرده است، ولی تا حال این امر را نه به اطلاع آنها رسانده‌اند و نه پول در نظر گرفته شده به تهران برگشت داده شد. اکنون که استانداری از جنس دیگر در استان پیدا شده است، درصدد پرداخت این حقوق برآمده است.	نگاه امنیتی و تهدیدی به مرزنشین‌ها وجود تبعیض بین مرکز نشینان و مرزنشینان عدم وجود شرایط رفاهی A مسائل معیشتی A
چنانکه گفتم از نظر این موضوع در تهران و در مرز هوایی کشور مانند مرز کیله در سردشت یا حاج عمران در پیرانشهر است. چگونه است که فرد تهرانی در مرکز کشور با معیارهای زندگی در آمریکا زندگی می‌کند، هر چه بخواهد می‌تواند داشته باشد، مالیات هم نمی‌پردازد، اعتقادی هم به هیچ یک از مبانی قانونی، سیاسی و اعتقادی کشور	

ندارد، در عین حال هر وقت اراده کند از مرز خارج می‌شود و به هر جا خواست می‌رود، ولی تهدید به شمار نمی‌رود. ولی مرزنشینان را با نگاه امنیتی می‌نگرند و کنترل می‌نمایند. من نمی‌خواهم فرد تهرانی محدود یا کنترل شود، اما انتظار دارم مرزنشین در کردستان از رفاهی برخوردار شود که مجبور به کولبری نشود. همه‌ی اینها را در درجه‌ی اول نگاه امنیتی ایجاد کرده است. در درجه‌ی دوم، محدودیت‌های اقتصادی ایجاد شده از نظر مرکز در حاشیه است. با در نظر گرفتن این واقعیت که حاشیه‌ی مرزی کشور در مرزهای آبی و خاکی سراسر کشور، محروم‌ترین مناطق از نظر توسعه‌اند، از نظر من این امر امر تعمدی است که مرکز مانع از تحول و یا حتی تغییر اندکی توسعه‌ی اقتصادی در مناطق مرزی شده است. در واقع نگاه امنیتی به مرزنشینان، به حوزه‌ی اقتصادی هم سرایت کرده و آنرا با تاخر توسعه روبرو نموده است. و در نهایت، همین عناصر، از دیدگاه من مانع بزرگ توسعه‌ی فرهنگی در مناطق مرزی و مردم مرزنشین است.

موانع نسبت به کردها به نظر من از ویژگی‌گفتمانی برخوردارند. به عبارت دیگر، گفتمان امنیتی حاکم بر کشور به طور کلی و گفتمان خاص مربوط به کردها، مردم کرد را به عنوان دیگری نظام محسوب کرده و در اساس هم از نظر مذهبی و هم از نظر فرهنگی و اجتماعی، آنها را دگر خود می‌پندارد. در این صورت، نه تنها برنامه‌ریزی برای توسعه‌ی این مناطق در مرکز اولویت ندارد، بلکه به نظر من حتی موضوعیت ندارد. باید در نظر داشت که زیست اجتماعی ابعاد مختلفی دارد. اگر مردم احساس تهدید یا خطر بنمایند یا روند عمومی سیاست و فرهنگ جامعه یا روابط دولت و ملت را رو به خشونت و سخت‌گیری‌های بیشتر ببینند حتی اگر از معیشت مادی و اقتصادی آرامی برخوردار باشند، با این حال خالی از نگرانی و اضطراب نخواهد ماند. در چنین حالتی بسیار طبیعی است که نه تنها خلاقیت‌ها پرورش نمی‌یابند و شکوفا نمی‌شوند، بلکه هویت‌های فردی و جمعی تضعیف شده، توسعه فرهنگی تحقق نمی‌یابد. امری که در کشورهای در حال توسعه معمولاً توجه چندانی به آن نشده است، آن هم ناشی از ساختار سیاسی اجتماعی آنها است. به همین دلیل نه تنها در بعد فرهنگی بلکه در دیگر ابعاد زیست اجتماعی، این کشورها همواره با مشکل و بحران مواجهند. برای نیل به این مهم تصور می‌شود که باید با نگاهی فراتر و فراگروهی نسبت به شهروندان نگریسته شود و برای همگان حقوق و جایگاهی مساوی بدون تبعیض از هر نظر در برابر قانون قایل شد.

محروم‌ترین مناطق مرزنشینان

تاثیر رویکرد امنیتی به اقتصاد مرزنشین

نگاه امنیتی حاکم بر مناطق

دگرگون کردن فرهنگ کردنشینان

مشخصه‌هایی چون آزادی بیان، آزادی شرکت در فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی، تبادل آزادانه افکار و عقاید، دانش علمی، خلاقیت و آفرینش‌گری، گسترش فرهنگ تحقیق و پژوهش و کاربردی کردن تحقیقات جهت حل و ساماندهی مشکلات اجتماعی از جمله راهکارهای عملی برای توسعه فرهنگی است. با این حال وسایل ارتباطی عامل مهمی در تحول و توسعه فرهنگی شناخته شده است. سرعت تغییرات فرهنگی در عصر حاضر مرهون استفاده گسترده از وسایل ارتباطی به ویژه مطبوعات، پوشش و تیراژ روزنامه‌ها و سایر وسایل خبری است.

احساس تهدید مردم مناطق

احساس خطر مردم مناطق

خشونت با مناطق D

سخت‌گیری با مردمان مناطق

وجود نگرانی و اضطراب

عدم توجه به خلاقیت‌های افراد

تضعیف هویت فردی و اجتماعی

نگاه فراگروهی به مناطق رعایت حقوق مساوی

عدم تبعیض در برابر قانون

آزادی بیان

شرکت در فعالیت‌های علمی و فرهنگی

تبادل آزاد افکار

تبادل دانش علمی

گسترش فرهنگ تحقیق و پژوهش

کاربردی کردن پژوهش‌ها

در سطح محلی، مناطق کردنشین با توجه به برخی ویژگی‌های خاص آن تحقق این امر به نظر می‌رسد در گرو اقداماتی است که برخی از آنها عبارتند از: فراهم آوردن زمینه بیشتر برای امنیت فردی و اجتماعی در منطقه به تبع اهداف کلان توسعه فرهنگی کشور. تاکید بر بکارگیری و مشارکت بیشتر مردم بومی، مخصوصاً افراد متخصص در اداره امور منطقه برای بالا بردن حس مشارکت و مسوولیت مدنی مردم در منطقه. گسترش زمینه‌های آموزش و پرورش از طریق آموزش و پرورش رسمی و افزایش مطبوعات محلی و ملی و چاپ و نشر کتاب در منطقه، توجه به زبان کردی و ایجاد زمینه برای آموزش آن.

از نظر فرهنگی آسیب‌ها به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱- یکی عوامل درونی ۲- عوامل بیرونی

عوامل درونی مربوط به خود منطقه و عدم تلاش مردم منطقه برای توسعه فرهنگی بر مبنای داشته‌های موجود در منطقه است که در این میان نخبگان نیز دخیلند و طوری

پرورده نمی‌شوند که به فرهنگ منطقه و اعتلای آن کمک شود و البته مهمترین دلیل آن اقتصاد است که امروزه پایه هر نوع توسعه‌ای به شمار می‌رود به طوری که فقر فرهنگی با فقر اقتصادی پیوند مستقیم دارد.

عوامل بیرونی نیز می‌توانند بر مبنای همین گفته‌های بالا به عدم توجه حکومت مرکزی به اقتصاد و فرهنگ در مناطق حاشیه‌ای و هزینه بر بودن آن برمی‌گردد. البته هر کدام از این مطالب محل بحث و کار فراوان دارد.

یکی از مهمترین موانع توسعه فرهنگی در مناطق مرزی و کردنشین نگاه امنیتی و اقلیتی داشتن است و مانع ساختن برای ابراز وجود فرهنگی در این مناطق و کل مناطق کردنشین است.

عدم توجه به فرهنگ بومی این مناطق که متأسفانه وضعیتی که حاکم است فضا را به گونه‌ای تغییر داده که اصولاً ما به نحوی داریم فرهنگ‌ها را تغییر می‌دهیم.

امروزه می‌بینیم فرهنگ‌های خیلی قدیمی و کهن دیارهای مناطق کوه نشین در حال جای جای این مناطق متأسفانه کم کم به فراموشی سپرده می‌شد و بر آن توجه کامل نمی‌شد و به نحوی داریم فرهنگ‌ها را تغییر می‌دهیم.

امروزه می‌بینیم فرهنگ‌های خیلی قدیمی و کهن دیارهای مناطق کوه‌نشین در حال جای جای این مناطق متأسفانه کم کم به فراموشی سپرده می‌شد و بر آن توجه کامل نمی‌شد و به نحوی دارد اختلال پیدا می‌کند.

با سایر فرهنگ‌ها و این نباید یکی از مهمترین آسیب‌هایی باشد که ما در این مناطق شاهد هستیم و در کنار این بحث یعنی بحث تغییر ساختار فرهنگی و فراموش کردن فرهنگ بومی باید اضافه کنیم که نحوه برخورد ما و نحوه فراهم‌سازی و فرهنگ‌سازی مدرنیته یعنی آن به اصطلاح مباحثی که با گسترش جوامع داره رخ میده و تکنولوژی‌های مختلفی که به بازار میاد و پیشرفت علمی که ما شاهدش هستیم متأسفانه در این زمینه آن‌چنان باید و شاید فرهنگ‌سازی لازم انجام نگرفته البته این چیزی نیست که مختص صرف مناطق کردنشین باشد و در همه جای ایران این را با شدت کم و زیاد مشاهده می‌کنیم از فرهنگ استفاده از ماشین، موبایل، شبکه‌های اجتماعی، در فرهنگ استفاده از کامپیوتر همه این‌ها مواردی هستند که به نحوی آسیب هستند و چالش‌هایی هستند که به گریبانشان هستیم.

چالش دیگر که میشه بیان کرد عدم توجه به فرهنگ‌سازی در زمینه‌های مختلف در دوران دانش‌آموزیست متأسفانه ما عملاً می‌دانیم هیچ آموزشی در دوران دبستان و در دوران دانش‌آموزی به افراد در زمینه‌های مختلف داده نمی‌شود امروز اگر مناطق کردنشین بهترین جنگل‌های ایران را دارند اگر مناطق کردنشین دارای آب فراوان هستند اگر مناطق کردنشین دارای محیط بکر و زیبا هستند متأسفانه ما فرهنگ حفاظت از این مناطق را به مردم آموزش نداده‌ایم و امروزه اگر ما با آسیب‌های مختلفی در زمینه‌ی منابع طبیعی مواجه هستیم بیشتر جنبه فرهنگی دارد این ناشی از آشنای مردم با اهلیت منابع طبیعی و ناشی از عدم فرهنگ‌سازی در سطوح مختلف است ما به خواهیم یا نخواهیم دیگر افرادی را که به سن بالا رسیده‌اند را از دست داده‌ایم و دیگر نمی‌توانیم در آن‌ها اهمیت یک درخت را نهادینه کنیم دیگر برای آن‌ها نمی‌توانیم از اهمیت منابع آبی زیرزمینی صحبت کنیم شما نمی‌توانید الان بیابید برای فردی که در حوضه آبریز دریاچه ارومیه چاه عمیق زده توجیه کنید که این چاه باعث خشکی دریاچه خواهد شد و خشکی دریاچه به معنی نابودی یک استان و یا یک منطقه از کشور خواهد بود ولی این را می‌توانیم به راحتی در دبستان‌ها آموزش دهیم بنابراین این یک بعد مهم است که ما با آن مواجه هستیم و در عین حال به آن بی‌توجه هستیم. مهم‌ترین مانع توسعه فرهنگی را در مناطق را من عدم آموزش می‌بینیم ما متأسفانه به آموزش کاملاً بی‌توجه هستیم و آموزش را رها کردیم.

ضعف جوامع مدنی در مقابل سیاست حکومت به لحاظ اولویت قرار دادن مسائل امنیتی و اقتصادی نسبت به ابعاد فرهنگی، تمرکز و اتکاء انحصاری دولت به بعد اقتصادی و درآمد حاصل از بازارچه‌های مرزی نسبت به ابعاد فرهنگی، فقر فرهنگی و اجتماعی و

توسعه وسایل ارتباط جمعی
توسعه و توجه به مطبوعات
فراهم آوردن امنیت فردی
فراهم نمودن امنیت اجتماعی
مشارکت دادن مردمان در مدیریت‌ها
گسترش زمینه‌های آموزش و پرورش
افزایش مطبوعات محلی و ملی
چاپ و نشر کتاب به زبان کردی
ایجاد زمینه آموزش زبان کردی
وجود فقر فرهنگی در مناطق
وجود فقر فرهنگی اقتصادی در مناطق
عدم توجه به حکومت مرکزی به مناطق
عدم توجه به اقتصاد و فرهنگ مناطق
نگاه امنیتی و اقلیتی در مناطق

عدم توجه به فرهنگ بومی
از بین رفتن فرهنگ محلی مناطق

عدم فرهنگ‌سازی با فرهنگ مدرنیته
نفوذ تکنولوژی‌ها و تغییر ساختار، فرهنگی
وجود شبکه‌های اجتماعی و

خروج پتانسیل‌های بالقوه از جمله نخبگان، دوری از مرکز کشور، عدم تعامل مسئولان با جامعه مدنی، قومیت‌ها و نژادهای منطقه و آشنایی با انتظارات و خواسته‌های آن‌ها، نامناسب بودن رویه‌ها و سیاست‌ها با شرایط اقلیمی مرزی و عدم امکانات کافی، عدم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی در ابعاد فرهنگی به دلیل متزلزل بودن امنیت در مناطق مرزی. توجه بیشتر به خواسته‌ها و انتظارات مردم و جامعه مدنی با توجه به شرایط و ویژگی‌های خاص اقلیمی، قومی، مذهبی، جغرافیایی، رفع موانع بیکاری و فقر، حل مشکلات سیاسی و امنیتی مناطق مرزی، مشارکت دادن مردم بومی مناطق مرزی در اداره کردن منطقه با توجه به ملاحظات فرهنگی و مقتضیات بومی، اتکا به توانایی‌های درونی مردم بومی، تسهیل ارتباط مردم مناطق مرزی با مرکز کشور و شهرهای بزرگ و کلیدی کشور و کشورهای همجوار.

مهم‌ترین چالش فرهنگی در مناطق غرب کشور، بریدن از سنت و نپیوستن به مدرن است. یک بلاتکلیفی و سرگردانی وجود دارد که مردم را دچار اضطراب می‌کند. فرهنگ در این مناطق متولی خاصی هم ندارد. ماهواره‌ها و شبکه‌های اجتماعی توانسته‌اند، نوعی سردرگمی ایجاد کنند و خود را به عنوان متولی فرهنگ جا بزنند. بیسوادی، وضعیت نابسامان درآمد و اشتغال، زمینه‌های از خودبیگانگی فرهنگی را ایجاد نموده است. خانواده به شدت دچار بحران است. نهاد خانواده دیگر برای فرزندان، هیچ مرجعیتی ندارد.

پدیده‌ی خودکشی و فرار به خارج از کشور نشان از بی‌هویتی جوانان است.

حقیقتاً بحران هویت را باید از بحران‌های جدی دانست.

مورد دیگر، شکاف بین مرکز و پیرامون است که به دلایل نداشتن برنامه‌ای مشخص از سوی دولت و عدم اختصاص بودجه و منابع مالی به بخش آموزش (منظور آموزش رسمی نیست) و عدم اهتمام دولت به فرهنگ بومی و محلی، باعث این شکاف شده است. احساس تعلق خاطر مردم مناطق مرزی به مرکز نسبت به گذشته کم رنگ شده است. زمانی بود که کردهای عراق نیز خود را ایرانی می‌دانستند اما اخیراً با کمال تأسف، کردهای ایران نیز این احساس تعلق خاطر را ندارند.

در مناطق مرزی، هژمونی احساسات تند ناسیونالیستی، مشاهده می‌شود.

یکی از چالش‌های فرهنگی موجود در مرزها که البته می‌تواند به فرصت نیز تبدیل گردد این است که فرهنگ نیز مرزی، سیال و ممکن است التقاطی شود. این امر (التقاطی شدن فرهنگ) موجب می‌شود خودباختگی فرهنگی و بحران هویت در مناطق مرزی رواج یابد.

فقدان سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی مشخص و مدون در حوزه فرهنگ، فقدان نهادهای مدنی فعال در حوزه فرهنگ، توسعه نیافتگی اقتصادی و سیاسی، فقدان امکان تبادل فرهنگی و مراودات فرهنگی با دیگر مناطق ایران.

یکی از چالش‌های اصلی فرهنگی مناطق مرزی نسبت به دیگر مناطق کشور همگرایی و واگرایی فرهنگی است. به عبارت دیگر یکی از ویژگی‌های به نسبت عمومی و جهان شمول مناطق مرزی، داشتن تنوع قومی، اجتماعی و فرهنگی است. این پدیده ناشی از قانون تراوش یا نشر و انتشار بین مناطق جغرافیایی مجاور است. بر اساس این قانون، مقداری از جمعیت یک منطقه به منطقه مجاور مهاجرت کرده و ویژگی‌های خود را به آن سوی مرز می‌برند. این پدیده با مرور زمان باعث تشکیل گروه‌های قومی، اجتماعی و فرهنگی در مناطق مرزی می‌گردد که در نهایت با ویژگی‌های قومی، اجتماعی و فرهنگی جمعیت آن سوی مرز مشابه و با ویژگی‌های جمعیت مرکز کشور متفاوت می‌گردد.

مهمترین مسأله تنوع قومی - فرهنگی در مناطق مرزی که تأثیرات مستقیمی بر روند برنامه‌های توسعه و امنیت در آن مناطق می‌گذارد، مسأله واگرایی و همگرایی قومی - فرهنگی این گروه‌های اجتماعی با دولت مرکزی است. چنانچه قومیتی با دولت مرکزی خودهمگرایی نشان دهد، شرایط توسعه و امنیت در آن مناطق فراهم می‌شود چرا که احساس تعلق به سرزمین باعث افزایش انگیزه و کوشش در تحقق برنامه‌های توسعه و

وجود فضای مجازی
عدم توجه به نظام تعلیم و تربیت در دوره استراتژی
عدم آموزش کافی به دوره دبستان
عدم توجه به فرهنگ حفاظتی مناطق جنگل‌ها
عدم توجه به منابع طبیعی
عدم فرهنگ‌سازی مناسب برای حفاظت منابع طبیعی

امنیت و احساس تعلق به قومیت و سرزمین، باعث افزایش انگیزه دفاع از کشور و سرحدات و کاهش میزان ناامنی می‌گردد.

طبق نظریه پخش، هم عوامل توسعه یافتگی و هم موانع توسعه یافتگی (با عوامل توسعه نیافتگی) می‌توانند از طریق مرزها نفوذ کنند. در مناطق مرزهای ایران با کشورهای کمتر توسعه یافته‌ی همجوار، مانند افغانستان و عراق، ویژگی‌ها و عوامل توسعه نیافتگی آن کشورها از جمله ناامنی، بیماری‌های دامی و انسانی، تعصب قومی، مسائل اخلاقی، مسائل ضدفرهنگی و بی‌سوادی و بیکاری همواره به همراه مهاجرین غیرقانونی (و احیاناً قانونی) وارد مناطق مرزی می‌شود که این عامل هم بر اقدامات توسعه‌ای و امنیتی دولت اثر می‌گذارد.

مرز در مفهوم نظریه قطب رشد، دورترین نقاطی است که شعاع تأثیرات توسعه‌ای قطب رشد به آنجا می‌رسد. بر این اساس، مرز به منطقه‌ای اطلاق می‌شود که کمترین بهره‌مندی از تشعشعات توسعه‌ای قطب رشد را دریافت می‌کند؛ به این جهت مناطق مرزی اغلب مناطقی محروم، توسعه نیافته‌تر و عقب‌مانده‌تر به شمار می‌روند.

دیگر اینکه با بررسی اجمالی مناطق مرزی به ویژه مناطق کردنشین در مقایسه با مناطق مرکزی کشور می‌توان به شاخص‌های عمده‌ای از جمله انزوای جغرافیایی مناطق مرزی، دوری از قطب‌های صنعتی - اقتصادی، قرار گرفتن در حاشیه و پیرامون و همچنین توسعه نیافتگی در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نسبت به مناطق مرکز کشور است.

محرومیت مناطق کردنشین و در حاشیه مرز قرار گرفتن آن باعث شده که شاخص‌های توسعه فرهنگی در این مناطق از موقعیت بالایی برخوردار نباشد. برای اثبات اینکه این موضوع از اهمیت لازم برای بررسی برخوردار است خیلی نیاز به استدلال نیست:

اول: از نگاه تاریخی و سیاسی همواره فاصله بین مناطقی مثل کردستان که ساکنین آن هم اقلیت قومی هستند و هم در نقاط مرزی به سر برده و در طول تاریخ هزینه‌های گزافی برای دفاع از مرزهای کشور پرداخته‌اند با مناطق مرکز نشین بحث‌انگیز بوده است.

دوم: سالانه میلیاردها تومان سرمایه در بخش‌های مختلف هزینه می‌شود اما فاصله نه تنها کم نمی‌شود بلکه بر آن افزوده می‌شود.

سوم: همواره در گذشته همسایگان و دولت‌های استعمارگر کوشیده‌اند از این فاصله‌ها برای ایجاد شکاف ملی در ایران بهره جویند.

چهارم: گروه‌های سیاسی و نهادهای مدنی در سال‌های اخیر در راستای دفاع از حقوق شهروندی کردها از این عقب‌ماندگی گله‌مندند و با تکیه بر آن بر دولت‌های مرکزی فشار آورده‌اند که نسبت به پر کردن این شکاف کوشش کنند.

بر این اساس می‌توان گفت چالش اصلی در مناطق مرزی و علی‌الخصوص مناطق کردنشین عدم بهره‌مندی از همه‌ی امکانات توسعه فرهنگی به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی این مناطق و همچنین بنا بر مسائل امنیتی و انزوای جغرافیایی این مناطق است.

توسعه مفهوم پیچیده و جامعی است که تمامی ابعاد حیات انسان را در برمی‌گیرد یکی از عوامل موثر در جریان توسعه، فرهنگ است. فضاهای فرهنگی توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مناطق کردنشین از چنان اهمیتی برخوردارند که بر روند رشد و تولید بسیاری از آثار و محصولات فرهنگی و هنری تأثیر مستقیم و حیاتی به جای می‌گذارند.

توسعه فرهنگی در مناطق مرزی با دو بحران مواجه است:

۱. بحران عدم توجه کافی با فرهنگ داخلی و مرکزی
۲. بحران مقابله با فرهنگ خارجی (به خاطر همجواری با کشورهای همسایه) بخصوص فرهنگ غربی

بسیاری از روشنفکران ایرانی و برنامه‌ریزان در زمینه توسعه فرهنگی به ظواهر و الگوبرداری ناقص روی آورده‌اند، در این زمینه جلال آل‌احمد می‌گوید:

تعارض بین سنت و مدرنیته در مناطق سردرگمی حاصل از ماهواره‌ها وجود بی‌سوادی در مناطق عدم اشتغال در مناطق بحران خانواده‌ها B

وجود پدیده خودکشی فرار به خارج از کشور

بی‌هویتی جوانان

بحران هویت

شکاف زیاد بین مرکز و مناطق

عدم وجود برنامه مشخص دولت

عدم اختصاص بودجه کافی

عدم اهتمام دولت به فرهنگ بومی

عدم احساس تعلق خاطر به کشورها در کردها

وجود هژبونی احساسات تند ناسیونالیستی

خودباختگی فرهنگی و مناطق

فقدان سرمایه‌گذاری مناسب

فقدان تبادل فرهنگی با دیگر مناطق

وجود تنوع قومی

وجود تنوع اجتماعی و فرهنگی

وجود تفاوت مابین مرکز و مناطق

چرا هنوز یک اتحادیه مطبوعاتی ندارم، حق تالیف را به رسمیت نمی‌شناسیم، و هیچ ورقه‌ای از اوراق مطبوعاتی خالی از ترجمه و تقلید نیست. جواب اینها بسیار ساده است. برای اینکه از نمودار تمدن غربی ما فقط جنبه ظاهریش را اخذ می‌کنیم و پوشالی‌اش را، چون کاریست که از خود ما نیست.

ترجمه کتب، شمارگان روزنامه، نشریات و کتب، ساعات مطالعه در طول روز، تعداد موزه، تالارهای هنری، تئاتر و صندلی سینماها از جمله مواردیست که در شاخص‌های توسعه یافتگی فرهنگی گنجانده شده است و در این زمینه می‌توان شاهد تفاوت چشم‌گیر میان استانداردهای جهانی و مناطق مرزی و کردنشین باشیم، برای مثال هر ایرانی در طول روز ۱۸ دقیقه (بر اساس آمار اعلام شده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) مطالعه دارد و یا سرانه سینما در ایران بر اساس استانداردهای جهانی به ازای ۲۴۰ هزار نفر یک سینماست. در بحث مطبوعات و رسانه‌ها نیز دولتی بودن یکی از موانع محسوب می‌شود و فعالیت‌های فرهنگی مطلوبیت خود را از دولت دریافت می‌کنند. اما در مناطق کردنشین که شکاف‌های عمیقی در طی سال‌های بعد از انقلاب بین مناطق کردنشین در ایران اقوام گوناگونی چون کرد، فارس، ترک، اعراب، سنی، شیعی، زردشتی و... وجود دارند که در سراسر کشور پخش بوده و عموماً بر حفظ فرهنگ خود اصرار داشته و حتی در برخی از اقوام در تعارض با فرهنگ مرکزی ایران برمی‌خیزند، پس نیاز است تا با توجه به شرایط منطقه‌ای برنامه‌ریزی‌های خاصی برای مناطق مرزی صورت پذیرد تا توسعه فرهنگی بطور موازن با پایتخت رشد یابد.

در طراحی‌های توسعه، طراحان با ناظرین کمتر ارتباط دارند و طرح‌ها کمتر قابل بکارگیری در تمام سطوح جامعه است. بنظر می‌رسد در کشورهای مانند ایران بایستی در پی یک نوع طراحی نوین که قابل تطبیق در سطح روستایی، شهری و ملی برای مناطق مرزی باشد، بود. به لحاظ اینکه توسعه یک جریان متراکم و مستمر در کلیت جامعه است و طراحی‌ها بایستی با ملاحظه همه مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه باشد. لوی اشتراوس جامعه‌شناس و انسان‌شناس مشهور در جای آورده است، تمامی فرهنگ‌ها آمیزه‌ای از مبادلات و داد و ستدها هستند. یکی از عواملی که بنظر می‌رسد در پیشرفت جوامع مرزی موفق نقش داشته باشد، گشودگی فرهنگی در مقابل ایده‌های دیگران به همراه تمایل و قابلیت جذب و همسان سازی آنها در قالب فرهنگ خودی است. اگر تغییراتی که محصول ارتباط بین فرهنگ و توسعه هستند متاثر از عواملی داخلی و خارجی باشند در آن صورت اجتماعی که در خود فرو رفته و حالت دفاعی به خود بگیرد، اقبال منتفع شدن از تأثیرات خارجی را از دست می‌دهد. مساله امروز اروپا آن است که تا کنون هیچگاه به مشکل در خود فرو شدن برخورد نکرده است پس می‌بایست در کنار تلاش برای حفظ داشته‌های فرهنگی و انتقال آن به سایر فرهنگ‌ها با مواجه شدن با فرهنگ‌های دیگر هراس نداشته و با برنامه‌ریزی و هدایت درست ارتقا فرهنگ مناطق مرزی را موجب شویم. در نتیجه با توجه به آنکه مناطق مرزی از نظر فرهنگی دارای عنای بسیاری است (به دلیل اصیل بودن کردها و نژاد اصیل آریایی‌ها) نباید از سوی دولتمردان در مواجه با سایر فرهنگ‌ها حالت دفاعی بخود بگیرد، چرا که فرهنگ پدیده‌ای است پویا و تبادل و وام‌گیری فرهنگی به ضرورت در جوامع رخ می‌دهد.

آسیب‌ها و چالش‌های فراگیر در سطح ملی موجود هستند در بعد فرهنگی و تعدادی هم ممکن آسیب‌هایی باشند که یک مقداری وزن تأثیر آنها در بعد منطقه‌ای بیشتر به چشم بیاید از جمله آسیب‌ها و چالش‌های موجود در مناطق مرزنشین کشور در واقع بحث مهارت‌های فردی در ابعاد گوناگون آن است کم‌ترین توجه و به اهمیت توسعه مهارت‌های فردی شاید در ساختار آموزشی فرهنگی مدرسه و خانواده ما وجود دارد و توقعات و مطالبات جامعه هم به شکل جدی این مطالبات را نداشته و همین عدم توسعه یافتگی فردی باعث چالش‌های جدی برای بعد فرهنگی شده است نگاه فردی بی‌اعتماد به توسعه و چالش جدی انتخاب بین مسئول اصلی توسعه پاس دادن مسئولیت توسعه نیافتگی از بدنه جامعه به حاکمیت و از حاکمیت به توده مردم و مسائل این چنینی

نگاه فردی و بی‌باوری و تحقق توسعه در رابطه با بعد فرهنگی باز هم می‌تواند موثر باشد فرهنگ در واقع رفاه زود هنگام دستیابی به منابع مادی به صورت یک شبه نگاه به رفاه مبتنی بر تنبلی و بدم مهارت و بدون تلاش عدم حس مطلوب تاثیرگذاری یک فرد در توسعه جامعه احساس مرزبندی‌های خاص قومی و مذهبی و همه این‌ها به نظر توانستند چالش‌های جدی فرهنگی رو بعد توسعه در مناطق مرزی بیشتر از سایر مناطق به همراه داشته باشد.

انزوای جغرافیایی، تنوع قومی، شغل‌های کاذب، درآمدهای غیرمشروع برای تعداد اندکی از خواص و نگاه تحقیرگونه و بد حاکمان در طول تاریخ به نقاط مرزی کردنشین از مهمترین آسیب‌ها و چالش‌های موجود این مناطق می‌باشد.

محروریت مضاعف این مناطق به نسبت سایر مناطق کشور توسعه را با سختی‌های خاص خود مواجه کرده و معمولاً کارهای فرهنگی به چشم نخواهد آمد.

از مهمترین موانع توسعه فرهنگی در مناطق مرزی کردنشین، عدم وجود زیرساخت‌های فرهنگی و عدم برخورداری این مناطق از شاخص‌های فرهنگی می‌باشد و از طرفی تهاجم فرهنگ غرب از سراسر مرزهای این مناطق از طریق رفت و آمدها و استفاده حدود ۹۰ درصدی مردم از ماهواره براحتی شکل گرفته و تیشه به ریشه فرهنگ و توسعه زده است.

دوری از مرکز و عدم پوشش شبکه‌های تلویزیونی به صورت خوب و کامل بدون ماهواره باعث شده فرهنگ غربی و بیرونی تاثیرگذار باشد و ذائقه مردم در سبک زندگی را تا حد زیادی مورد تاثیر قرار داده است و در این بین نیز با توجه به نزدیکی مرز و رفت آمد مردم دو سوی مرز این اثرگذاری بیشتر هم شده است. مسائل معیشتی و نبود امکانات تحصیل آسان در مقاطع متوسطه اول و دوم کشتن کاسبکاران و فضای امنیتی

اهمیت زیاد دادن حاکمیت (مستولان) و مردم بیشتر به مسائل مادی و غفلت از مسایل فرهنگی.

تفاوت زبانی نیز از عوامل موثر است و تاکنون تدریس زبان کردی در متوسطه در این مناطق آغ عملی نشده است.

پائین بودن شاخص‌های استاندارد

نگاه از بالا به پایین و تسری نگاه سیاسی تمرکزگرا به حوزه فرهنگی و نهادی - عدم توجه به آموزش و الگوسازی فرهنگی خصوصاً در عرصه آموزش عالی - عدم حمایت و نخبه پروری بومی برآمده از دل مردم منطقه و بی‌توجهی به آن - فقدان دادپروری در حوزه اقتصادی و متعاقباً عدم رشد و تاثیرگذاری در حوزه فرهنگی - تهدید حساب کردن فرهنگ بومی و سیاسی قلمداد نمودن آن و سعی بر ادغام و آسیملاسیون فرهنگی تا نگاه فرصتی و توسعه‌ای داشتن بدان و ..

عدم فعالیت‌های فرهنگی

عوامل انسانی و جمعیتی کارآمد - مولفه‌های اقتصادی و ساختارسازی با تاکید بر عاملیت کارآفرین - بسترسازی و نیل به توسعه سیاسی و تساهل ناشی از آن - آموزش جامعه‌ساز و کاربردی نه صرف آموزشی رانتهی و مدرک ساز - توجه به بعد فرهنگی مرز و مراودات علمی و فرهنگی ناشی از آن و نه فقط نگاه صرف اقتصادی و سو ...

وجود تعارض فرهنگی

مستمر بودن برنامه‌های فرهنگی

عدم دفاعی بودن قرار گرفتن دولت
 عدم وجود مهارت‌های فردی
 عدم توجه و توسعه مهارت‌های فردی
 عدم توجه به ساختار آموزش فرهنگی
 عدم توسعه یافتگی فردی
 عدم اعتماد مردم به مسئولان
 وجود شغل‌های کاذب
 تنوع قومی
 درآمدهای غیرمشروع B
 کم جلوه بودن کارهای فرهنگی
 عدم وجود زیرساخت‌ها مناسب
 عدم برخورداری این مناطق از مسایل فرهنگی
 تهاجم فرهنگ غرب
 استفاده ۹۰ درصد از ماهواره‌ها
 عدم پوشش شبکه‌های تلویزیونی کشور
 تاثیر فرهنگ غربی
 تغییر ذائقه مردم
 مشکلات معیشتی
 نبود امکانات تحصیل آسان
 وجود فضای امنیتی
 عدم توجه حاکمیت به مسایل فرهنگی
 عدم توجه به آموزش D
 عدم الگوسازی فرهنگی
 عدم حمایت و نخبه‌پروری از مناطق
 عدم رشد مناسب فرهنگی
 سیاسی بودن مناطق
 عدم بسترسازی
 عدم کارآفرینی
 نگاه اقتصادی و امنیتی



الگوی مطلوب موانع توسعه فرهنگی در مناطق مرز نشین (کردنشین)



نتیجه‌گیری

پدیده‌های قراردادی دانست و بنابراین هر گونه پیامد آنها نیز قابل اجتناب است؛ در وضعیت کنونی، یک مرز سازمانیافته می‌تواند چالشها و فرصتهایی را برای افراد ساکن در آن فراهم سازد. این چالشها و فرصتها یا ذاتی مناطق مرزی هستند و یا اینکه در نتیجه شیوه سیاستگذاریهایی اعمال شده در این مناطق به وجود آمده‌اند. برای مثال، مردمان ساکن در مناطق مرزی، نخستین شهروندان واقع در یک قلمرو سیاسی هستند که با هرگونه تحول ایجادشده در واحدهای سیاسی، روبرو می‌شوند. این تحول می‌تواند شامل طیف وسیعی از دگرگونیها، از تصمیمگیریهای سیاست -مداران برای افزایش یا کاهش همکاری بین مرزهایشان، تا وقوع جنگ را شامل شوند. بازتاب این دگرگونیها بیش از هر جای دیگری، در مناطق مرزی قابل رویت است. از سوی دیگر نگاهی به موانع و چالشهای توسعه فرهنگی در مناطق مرز نشین (کردنشینها) این مطلب را گویا تر می‌سازد که نگاهی تبعیض آمیز در عین حال بی تفاوتی به این مناطق وضعیت فرهنگی را بشدت تحت تاثیر گذاشته و حتی با چالشهای مواجه کرده و یا عملاً توسعه فرهنگی چندین سال است که متوقف شده لذا با عنایت به موارد فوق این پژوهش در راستای رسیدن به اهداف تحقیق یعنی تبیین و طراحی الگوی مطلوب موانع فرهنگی توانسته در مناطق مرز نشین به جهت ارتقا وضعیت موجود فرهنگی ارایه طریق نماید.

پیشنهادها

۱- پیش بینی فرآیند نظارتی برای اجرای الگوی مطلوب موانع توسعه فرهنگی از سوی نهادهای نظارتی و قانونی و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مرزها به عنوان زمینه‌هایی برای کنشهای انسانی، زندگی روزمره مردمان مناطق مرزی را به شدت تحت تاثیر قرار داده و تجربیات ویژه‌ای را در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برای مردمان ساکن در این مناطق رقم زده‌اند. ادراک مفهوم مرز برای مردمان منطقه مرزی همراه با درگیری با چنین وضعیتهایی است و با توجه به این نوع تجربیات است که ادراک آنها از زندگی شکل می‌گیرد. مرزها پدیده‌های نوینی هستند که تاریخ شکلگیری آنها را میتوان همزمان با شکل گیری دولت‌های جدید (یا دولت -ملتها) دانست. تا قبل از شکلگیری دولت‌های نوین در عرصه سیاسی با مناطق سرحدی مواجه بودیم. تفاوت میان مناطق سرحدی و مرزها این است که در مناطق سرحدی شدت کنترل پایین است و در نتیجه مناطق سرحدی عوامل چندان قوی و دقیقی در جدایی مکانی و فضایی نبودند اما شکلگیری دولت‌های نوین و دسترسی به فناوری -های پیشرفته شرایط را برای شکلگیری مرزهایی با مختصات دقیق و تابع قوانین بین المللی فراهم ساخت. از این زمان به بعد مرزها به عنوان عواملی قوی در ایجاد فضایی خاص با ویژگیهای منحصر به فردی نقش آفرینی کردند. بودن در هر فضایی تجارب خاصی را برای ما به وجود می‌آورد. فضا عاملی قوی در تعیین سرنوشت افراد، نوع و آینده شغلی آنها، فرصتهای ازدواج، کیفیت آموزشی و مواردی از این قبیل است. مرزها نیز به عنوان یکی از عوامل اصلی تحدید فضایی تجربیات خاصی را برای مردمان مناطق مرزی ایجاد میکنند. این امر بیانگر این است که مرزها همانند دیگر پدیده‌های اجتماعی گذشته از مفهوم سیاسی خود، دارای جنبه‌ای قویاً ادراکی هستند که در جریان زندگی روزمره شکل می‌گیرد. صرف نظر از اینکه میتوان مرزها را

4. Tulabi Zeinab, Zare Kar Mohammad, Ghiyasi Kermani Ali Akbar. 2016. Identifying the factors affecting the security of border terminals (Case study: Mehran border terminals). Security Research.123.
5. Andalib, Alireza and Matov, Sharif (2009), Development and Security in Border Regulations of Iran, Bagh-e Nazar Magazine, 6 (12), Fall and Winter 2009.
6. Khezri Dilshad, Khezri Ali. 2014. Tourism and Development of Deprived Border Areas (Case Study: Sardasht County). National Conference on Tourism, National Capital and Future Outlook.
7. Koslowski, R., & Schulzke, M. (2018). Drones Along Borders: Border Security UAVs in the United States and the European Union. International Studies Perspectives, 19 (4), 305-324.
8. Hamzhepour Zargar, Fakhri Sirous. 1396. An Analysis of the Role of Common Border Markets in Improving the Security of Border Areas (Case Study of Sardasht and Piranshahr Border Markets). Military management. 140-104.
9. Khangholi P, 1394. The effect of marginalization phenomenon on increasing the crime rate (case study of Mohtasham dormitory in Gorgan). The first annual international conference on civil engineering, architecture and urban planning.
10. Mawlawi Hasht Jin Nasrallah. 2002. An Analysis of the Application of Geography in Planning the Physical Development of Rural Settlements in Iran. Geographical space.6-49.
11. Sattari Sarbangholi, Hassan, (2012), An Introduction to the Executive Model of Cultural Engineering Based on the Teachings of the Holy Quran with a Look at the Models of Cultural Engineering in the West, Cultural Engineering in the Sixth Year, Nos. 67 and 68, pp. 32-14.
12. Raufi, Mahmoud, (1995), University and Cultural Development, Quarterly

- ۲- توجه به پیش بایست‌های الگوی مطلوب موانع توسعه فرهنگی از قبیل الزامات قانونی، اداری، مالی و امکانات و تجهیزات از سوی مسئولین، استانداران، نماینده‌های مجلس و کلیه تصمیم‌گیرنده‌گان.
- ۳- پیش بینی لازم در خصوص توجه عملی به مولفه‌های فرهنگ ساز در توسعه فرهنگی مناطق مرز نشین.
- ۴- توجه به عامل مدیریت ارتباطات و توسعه فرهنگی در مناطق مرز نشین.
- ۵- تدوین اجرا و کنترل استراتژی‌های تسهیل موانع فرهنگی در مناطق مرز نشین کشور.
- ۶- توجه به اجرای الگوی مطلوب جهت رسیدن به پیامدهای موانع توسعه فرهنگی.
- ۷- توجه به عواماذاقتصادی و پیامدهای آن در توسعه فرهنگی.
- ۸- توجه به تحول و توسعه ارتباطات و مدیریت ارتباطات در مناطق مرز نشین.
- ۹- پیش بینی، نارسنجی و اقدام علمی و عملی از سوی نهادهای دولتی در جهت کاهش و رفع ناعدالتی‌های آموزشی.
- ۱۰- کمک به بهبود مشکلات اجتماعی و رفع ناعدالتی‌های اجتماعی در مناطق مرز نشین کشور.
- ۱۱- توجه و دقت به عوامل مداخله‌گر در رفع موانع توسعه فرهنگی کشور.
- ۱۲- پیش بینی و ایجاد بستر لازم در جهت توسعه موانع فرهنگی مناطق مرز نشین کشور.
- ۱۳- توجه و دقت در شناسایی عوامل روانشناختی توسعه فرهنگی مناطق مرز نشین کشور.
- ۱۴- توجه به توسعه اقتصاد فرهنگی به منظور تحول و توسعه در مسائل فرهنگی مناطق مرز نشین کشور.
- ۱۵- رعایت هنجارهای توسعه فرهنگی و اقدام عملی در راستای تحقق توسعه فرهنگی.
- ۱۶- توجه و پیش بینی عوامل علی توسعه سلامت و بهداشت روانی جامعه در توسعه فرهنگی.
- ۱۷- به‌کارگیری از ابزارهای مدیریتی در جهت رفع موانع فرهنگی.
- ۱۸- شناسایی عوامل رشد و توسعه کار آفرینی در مناطق مرز نشینی.
- ۱۹- تدوین شایستگی‌های فرهنگی در جهت ارتقا دانش فرهنگی و بالندگی فرهنگی مناطق مرز نشینی.

References

1. Wilk, R. R. (2018). Economies and cultures: foundations of economic anthropology. Routledge.
2. Papli Yazdi, M. & Rajabi, H. (2008). Urban and Outskirts Theories. Third Edition, Tehran, SAMT, (in Persian).
3. Cooke, P. N., & Lazzeretti, L. (Eds.). (2008). Creative cities, cultural clusters and local economic development. Edward Elgar Publishing.

Journal of Research and Planning in Higher Education, No. 2, pp. 106-81.

13. Nazemi Ardakani, Mehdi, Keshavarz, Susan, (2006), A Comparative Study of Cultural Indicators in Iran and the World

14. Ebrahim Bahai Salami, Gholam Haidar, (2006). Culture and policy making in Iran. Quarterly Journal of the Iranian Association for Cultural Studies and Communication, No. 5, pp. 234-213.

15. Ji, M., & Pope, C. G. (2019). Translation and the Sustainable Development Goals: Cultural Contexts in China and Japan. Routledge.

16. Zahed, Saeed, (2005), On Cultural Development in Iran, Yas Strategy, First Year, No. 3, pp. 92-81.

17. Nazemi Ardakani, Mehdi, Keshavarz, Susan, (2006), Theoretical foundations of cultural change management in Iran. Taken from Iran Culture site

18. Abolghasemi, Mohammad Javad, (2006), Knowledge of Culture: Arsh Pajoo Publications.

19. Ahmadi Shapoorabadi, Mohammad Ali, (2009), A view on territorial cultural planning and its place in cultural development planning. Jasmine Strategy, No. 17, pp. 123-89.

20. Really Imran, mechanic Javad, Kakollahi Delaram. 2016. Border exchanges and its impact on the development of Iran-Iraq border areas Case study: Border areas of Kurdistan province. Government - Ministry of Science, Research, and Technology - Birjand University - Faculty of Persian Language and Literature.

21. Terrell, S. R. (2012). Mixed-methods research methodologies. The qualitative report, 17 (1), 254-280.